

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال سیزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۸

صفحه ۷۱ تا ۸۶

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به توانمندسازی زنان در حوزه‌های توسعه پایدار تحت تاثیر سازمان‌های بین‌المللی (مطالعه موردی یونسکو)

سوناز نصیری / دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم

سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات Sanaznasiri118@yahoo.com

مهدی ذاکریان امیری / دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات (نویسنده مسئول) Mzakerian@yahoo.com

ابوالقاسم طاهری / استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد علوم و تحقیقات farzad-taheri@yahoo.com

چکیده

این مقاله بدنبال بررسی توانمندسازی زنان در جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های توسعه پایدار در همراهی با سازمان‌های بین‌المللی است. سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست‌های ج.ا. ایران در حوزه توسعه پایدار و توانمندسازی زنان تا چه میزان با رویکرد نهادهای جهانی منطبق است؟ فرضیه پژوهش این است که رویکرد ج.ا. ایران به ابعاد مختلف توانمندسازی زنان منطبق با استانداردهای جهانی توجه کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ج.ا. ایران در حوزه‌های مختلف از جمله توانمندسازی اقتصادی، سیاسی، آموزشی و جنسی-باروری هم در عرصه قانونی و هم در عمل گام‌های مهم و اساسی برداشته است که نمودهای آن را می‌توانی در برابری نسبی جنسیتی در دستیابی به مشاغل، مشارکت سیاسی و حقوق آنها در رابطه با همسر مشاهده کرد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده است. بدین ترتیب که داده‌های تحقیق از طریق فیش برداری از منابع مختلف اینترنتی جمع‌آوری شده و در چارچوب مفهومی تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه: توانمندسازی زنان، قانون اساسی، قانون مدنی، یونسکو، توانمندسازی جنسی و باروری.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۷/۱۳

مقدمه

زنان که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در سه دهه گذشته بیش از مردان از پیشرفت‌های اقتصادی و توسعه اجتماعی سود برده‌اند. به‌رغم این زنان هنوز در میان گروه‌های آسیب‌پذیر در جهان قرار دارند و بدین ترتیب در مقایسه با مردان در دستیابی به قدرت و منابع تا حدود زیادی در سطحی پائین‌تر قرار دارند. با این حال مسئله توانمندسازی زنان در بالاترین سطوح دستورالعمل‌های سیاست‌گذاری در جهان قرار دارد و به همین میزان مسئله نابرابری جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف در حال گسترش است. در کشورهای در حال توسعه، نابرابری جنسیتی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته گسترده‌تر است (Ahmed et al., 2001).

نهادهای بین‌المللی از جمله کمیسیون‌های مختلف سازمان ملل متحد، یونسکو و صندوق توسعه ملل متحد برای زنان و ... در راستای توانمندسازی زنان گام‌های مختلفی برداشته‌اند. بدین ترتیب در سال‌های اخیر تواناسازی زنان به عنوان یک مسئله بنیادی برای این سازمان‌ها مطرح شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه در همسویی با ارزش‌های جهانی و البته پیش از آن، به تبعیت از ارزش‌های اسلامی در این راستا اقدامات متعددی انجام داده است. در قانون اساسی ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر اصل برابری جنسیتی و تواناسازی زنان محافظت شده است. ماده ۲۰ قانون اساسی ایران اسلامی بیان می‌دارد که تمامی شهروندان کشور - زن و مرد - در مقابل قانون برابر هستند و مطابق شرع اسلامی دارای حقوق سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشند (اصل بیستم قانون اساسی). در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی بیان شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد.» نمودهای این برابری، رفع تبعیض و توانمندسازی زنان را بر مبنای توسعه پایدار می‌توان در مواد قانونی و همچنین در داده‌های عملی مربوط به این حوزه‌ها جستجو کرد.

بنابراین این پژوهش تلاش دارد تا رویکرد جمهوری اسلامی را در همراهی با نهادهای بین‌المللی در مسئله توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار دهد. برای دستیابی به این هدف، در ابتدا تلاش می‌شود تا مفاهیم توسعه پایدار و توانمندسازی زنان مورد موشکافی قرار گیرند.

۱-چارچوب مفهومی

۱-۱ توانمندسازی زنان

توانمند سازی، اصطلاحی است که در سال‌های اخیر، پذیرش سریع و فزاینده‌ای داشته و در بحث‌های مربوط به توانمند سازی افراد محروم ظاهر شده است. در واقع این واژه ارتباط تنگاتنگی را با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود در عملکرد را نشان می‌دهد. توانمندسازی را می‌توان به عنوان یک فرایند چندبعدی اجتماعی تعریف کرد که به افراد در کنترل زندگی شان یاری می‌رساند. این امر، فرایندی است که قدرت یابی افراد را به منظور استفاده در زندگی فردی و اجتماعی خود از طریق کنش در حوزه‌هایی که مهم تلقی می‌شوند تسریع می‌بخشد (Page and Czuba, 1999).

نظریه توانمند سازی زنان از سوی سارا لانگه (Sara lange) مطرح شد که زنان را به کنترل بیشتر جنبه‌های زندگی خویش تشویق می‌کند. مشارکت مستقیم در حیات اجتماعی جامعه توسعه هم به عنوان نتایج و هم به عنوان ابزار توانا سازی زنان توصیه می‌شود. طبق این نظریه زنان در دگرگونی مؤثر در فرایند توسعه از عناصر منفعل به بازیگرانی مستقل و توانا تبدیل می‌شوند (لانگه، ۱۳۷۶: ۲۶). همزمان، توانمندسازی زنان، به "توانایی زنان برای اتخاذ انتخاب‌های استراتژیک زندگی خود، جایی که توانایی آنها در گذشته انکار و یا نادیده انگاشته می‌شد" تعریف می‌شود. از نظر سازمان ملل متحد نیز توانمند سازی شامل پنج بخش عمده است که عبارت اند از: احساس ارزش داشتن؛ حق مالکیت و تصمیم گیری؛ حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع؛ حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه؛ قدرت تأثیرگذاری در جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظام عادلانه تر اقتصادی اجتماعی در محدوده ملی و جهانی (پورگیو، ۱۳۷۹).

صندوق حمایت از مادران و کودکان سازمان ملل در تعریف توانمند سازی آورده است: «توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود. توانمند سازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت کرده و فعالیتهایی را انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود» (کتابی و یزدخواستی، ۱۳۸۲). بنابراین توانمندسازی در فرایندهای حفظ و نگهداری امتیازات زنان در سطوح فردی، اجتماعی، در سطح خانواده و سطوح وسیع تر، مهم و حیاتی است (Malhotra et al., 2009). این فرایند شامل اقدام به ارتقای موقعیت زنان از طریق سواد، آموزش و افزایش آگاهی است. توانمندسازی زنان در مورد اجازه و تجهیز آنها به تعیین انتخاب‌های

خود در موضوعات و مسائل مختلف است. مفهوم دیگری که با توانمندسازی زنان کاملاً مرتبط و لاینفک است برابری جنسیتی است و به این معنی است که حقوق و مسئولیت‌ها و فرصت‌های افراد بدون ملاحظه مرد یا زن بودن آنها فهم و تعریف شود (Bayeh, 2016: 2). مطالعات نشان داده اند که توسعه پایدار بدون توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی امکانپذیر نیست. بنابراین تاکید می‌شود که برابری جنسیتی یک حق انسانی است و هم پیش شرطی است برای توسعه پایدار (Alvarez and Lopez, 2013). برخی محققین معتقدند برابری جنسیتی در همه فرهنگ‌ها شایع است و بدون گام‌های جدی، توسعه پایدار بدست نمی‌آید (Stevens, 2010). سازمان زنان ملل متحد به درستی تاکید می‌کند که به منظور ایجاد توسعه پایدار و جهان عادلانه و به منظور تقویت نقش زنان در حفظ خانواده و جوامع، دستیابی به برابری جنسیتی حائز اهمیت زیادی است. این مفهوم به عنوان وضعیتی تعریف می‌شود که "... تمامی افراد انسانی در رشد و گسترش توانایی‌های خود آزاد هستند و حق دارند بدون محدودیت‌های مربوط به نقش‌های جنسیتی دست به انتخاب بزنند و خواسته‌ها و نیازهای مختلف زنان و مردان محترم، برابر و باارزش می‌باشند. هدف نهایی برابری جنسیتی عدم وجود تبعیض برپایه یک جنسیت می‌باشد (Alvarez and Lopez, 2013).

فمینیست‌های لیبرال معتقدند که یک جامعه شایسته، باید بیشترین فرصت‌ها را برای توسعه استعدادهای فردی مهیا کند و این فرصت‌ها باید برای همگان در دسترس باشد. ارزش‌های فردی در نظریه‌های سیاسی لیبرال‌ها به عنوان درخواست آزادی و برابری بیان می‌شود. آنها تأکید می‌کنند که الگوهای اساسی جامعه مقبول‌اند، اما حقوق زنان نیازمند تغییراتی است و برای زنان فرصت رقابت با مردان را طلب می‌کنند. آنها برآنند که اموری مانند مراقبت روزانه از بچه‌ها و زندگی خانوادگی، باید به گونه ای انجام شود که زنان نیز بتوانند همانند مردان کار کنند و به زعم آنها مردان نیز باید طرز تلقی شان را نسبت به بچه داری، کار در خانه و دیگر جنبه‌های کار سنتی زنان تغییر دهند (Jaggar, 1983:7).

بر اساس رویکرد فمینیستی آسیب پذیری جنسی و جنسیتی که دربردارنده میزان آسیب پذیری فیزیولوژیکی و اجتماعی بیشتر زنان نسبت به مردان است، در کنار ساختارهای نابرابر جنسیتی به عنوان منبع اصلی ترس زنان از جرم و خشونت علیه آنها شناخته شده است. برخی از محققین بر این باورند که زنان به سبب زندگی اجتماعی و جامعه پذیر در جامعه طبقه بندی شده به لحاظ جنسیتی و اجتماعی شدن نسبت به جرم آسیب پذیری بیشتری داشته و بدین سبب ترس بیشتری را خواهند داشت. عده ای نیز با رویکرد فیزیولوژیکی،

آسیب‌پذیری بیشتر زنان را به سبب ترس از تجاوز و ناتوانی و کنترل زنان برای مقابله و دفاع از خود در برابر این جرم بیان کرده اند. ترس زنان بیشتر اوقات به لحاظ آسیب‌پذیری آنها در برابر آزارهای جنسی است که به ترس از سایر جرایم نیز کشیده می‌شود (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵: ۳۰ در تاج الدین و رحمتی والا، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

۱-۲ توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار به واسطه تغییر ادراک انسانی از «آنچه توسعه تعریف می‌شود» ناشی می‌شود. چشم اندازهای توسعه بصورت تدریجی تغییر کرده اند و منجر به چیزی شد که از آن به توسعه پایدار تعبیر می‌کنیم. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تمرکز بر رشد اقتصادی و ظرفیت تولیدی کشور بود. در دهه ۱۹۷۰ تمرکز به سمت حوزه‌های مربوط به برابری مانند توسعه اجتماعی و توزیع درآمد و آگاهی از شکاف فزاینده میان فقیر و غنی تغییر پیدا کرد. در همین دوره حمایت زیست محیطی به عنوان یک عنصر از توسعه ظهور کرد: فهم تاثیر رشد اقتصادی بر محیط زیست (ECA, 2015). از اینرو توسعه پایدار امروزه بصورت گسترده ای ادراک می‌شود که مشهور ترین تعریف از آن رایج شده است: توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را برآورده کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره بیاندازد (WCED, 1987). این تعریف توجه خود را به نیازهای آینده انسان معطوف می‌کند در حالیکه همزمان تلاش می‌کند نیازهای کنونی را رفع کند. با در نظر گرفتن تغییرات در چشم اندازهای مربوط به توسعه، سه ستون توسعه پایدار نیز تعریف شده است: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیطی (UNWomen, 2014). لازم به ذکر است که هدف و آزمون نهایی توسعه پایدار، همگرایی این سه ستون است و تنها از طریق هم افزایی آنها، توسعه پایدار حاصل می‌شود. این ابعاد دارای اهمیت برابر و بهم مرتبط می‌باشند؛ و عدم حضور هر کدام مانع موفقیت دیگری می‌شود (Stevens, 2010).

۲- سیاست‌های جمهوری اسلامی در توانمندسازی زنان در همسویی با سازمان‌های بین‌المللی

این تصور وجود دارد که دولت‌ها بر اساس ایده‌ها و رویکردهای گوناگون سیاسی، جهت‌گیری‌های متفاوتی در سیاست‌های اجتماعی خود دارند. ساختار اقتصاد سیاسی در ایران سبب شده تا رویکرد دولت نقش مهمی را در تعیین سیاست‌های اجتماعی ایفا نماید. از این رو، فهم تحول، ساختار و نقش دولت در ایران از الزامات ضروری فهم بهتر سیاست اجتماعی است. اما رویکرد و نقش دولت نسبت به سیاست اجتماعی در ایران به ویژه پس

از انقلاب اسلامی که ادعا می‌شود دولت‌هایی با رویکردهای سیاسی متفاوت داشته است، چندان مورد توجه مطالعات حوزه سیاست اجتماعی نبوده است. در ایران بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های گسترده‌ای در جهت رشد و اعتلای زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی صورت گرفت چنانکه در مقدمه قانون اساسی و برخی از اصول آن از جمله اصل ۲۱، اهمیت دادن به حقوق زنان به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه‌های سیاستگذاری و قانونگذاری مورد توجه قرار گرفته است (استیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۰).

۲-۱ توانمندسازی در حوزه آموزش

آموزش که به معنی توانایی حداقلی برای خواندن و نوشتن است مهارت لازم و شخصی برای زندگی، برقراری ارتباط و تفکر را فراهم می‌کند (Gallaway & Bernasek, 2004). شبکه اطلاعات جمعیتی ملل متحد تاکید می‌کند که "آموزش از مهمترین ابزارهای توانمندسازی زنان و تجهیز آنان به دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس لازم برای مشارکت در فرایند توسعه است" (United Nations Population Information Network, 1994b). یکی از اهداف توسعه هزاره ملل متحد در سال ۲۰۰۰، دستیابی به آموزش ابتدایی برای هر کودک است. هدف این برنامه، ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان با حذف نابرابری جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی است (United Nations [UN], 2000). سیاست‌های متمرکز بر آموزش ابتدایی برای دختران بهترین ابزار افزایش سواد میان زنان محسوب می‌شود. سیاست تکمیلی در این زمینه، فراهم سازی آموزش سوادآموزی در زنان به منظور بهبود نتایج بازار کار در کوتاه مدت و مشارکت آنها در توانمندسازی برای درازمدت است. این اهداف را می‌توان در قوانین و سیاست‌های دولت‌های ایران ردیابی کرد. قانون اساسی ج.ا.ایران در ماده ۳ تمرکز ویژه‌ای بر آموزش آزاد برای همه سطوح و نیز تسهیل و گسترش آموزش در سطوح بالا می‌باشد (ماده ۳، قانون اساسی ج.ا.ایران، ۱۳۵۸). قانون شورای اجتماعی-فرهنگی زنان، ماده ۱، بر ارتقای سطح سواد و دانش عمومی و همچنین پذیرش سیاست‌های مناسب در حوزه آموزش سطوح مختلف زنان دارد (ماده ۱، آئین نامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، ۱۳۷۶). (Janghorban et al, 2014: 227). به منظور منسوخ کردن محدودیت‌های پذیرش دختران در دانشگاه‌های مختلف، عموماً هرگونه محدودیتی که جلوی انتخاب زنان برای انتخاب یک رشته را بگیرد برداشته شد. سیاست‌های ج.ا.ایران در توانمندسازی زنان در ماده ۷ بر فراهم سازی تسهیلات مورد نیاز برای استفاده از توانایی‌های زنان باسواد تاکید کرده است (ماده ۷ سیاست‌های اشتغال زنان در ج.ا، ۱۳۷۱).

این قوانین در عمل نیز نقش خود را ایفا کردند. مطابق آمارهای یونسکو، نرخ سواد بزرگسالان در ایران (۱۵ سال و بالاتر) از ۶۳٫۲ درصد (۷۲٫۲ درصد مردان و ۵۴ درصد زنان) در سال ۱۹۹۰ به ۷۶ درصد (۸۳ درصد مردان و ۶۹ درصد زنان) در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است که نشان دهنده پیشرفت محسوس در سواد زنان در این سالها می باشد (UNESCO, 2002: 218). متوسط نرخ باسوادی در زنان ایرانی در سال ۲۰۱۹ بیش از ۸۲ درصد است (ایسنا، ۲۹/آذر/۱۳۹۸) که نشان دهنده توانمندسازی این گروه در حوزه آموزش است. مطابق داده های یونسکو افزایش سهم معلمان زن در مدارس شاخص مناسبی برای برابری جنسیتی در ایران محسوب می شود. معلمان آموزش و پرورش تلاش می کنند تا مشارکت زنان در بخش های اقتصادی و اجتماعی را بهبود بخشند. تحقیقات نشان می دهد که استفاده از معلمان زن استراتژی کلیدی در تسهیل دستیابی دختران به فرصت ها و حفاظت از آنها در مدارس است (UNESCO, 2002: 77). آمار نشان می دهند که دهه گذشته شاهد افزایش تعداد معلمان زن بخصوص در سطوح ابتدایی تا ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۰ بوده است. اما این میزان در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۹۶ درصد رسیده است (انصاف نیوز، ۳/۲۱/۱۳۹۶). از دید یونسکو این آمارها نشان دهنده رویکرد رو به پیشرفت ج.ا.ایران در حوزه برابری جنسیتی است. این امر از رابطه دیالکتیکی میان آموزش و جامعه حکایت دارد که از طریق آن مدارس تغییرات کلان را در سطح جامعه ایجاد می کنند و همزمان جامعه خود ابژه تغییرات در سیستم آموزشی و شمار فزاینده افراد تحصیل کرده بویژه زنان می باشد (Mehran, 2003:6).

۲-۲ توانمندسازی سیاسی

از دید یونسکو، توانمندسازی سیاسی، توانایی سازماندهی و بسیج برای تغییر تعریف می شود. بنابراین این نوع توانمندسازی می بایست نه تنها آگاهی فردی بلکه آگاهی و کنش جمعی را دربرگیرد. ایده کنش جمعی برای هدف دستیابی به تغییر اجتماعی، حیاتی و تعیین کننده است (UNESCO, 1993). مشارکت سیاسی زنان مسئله ای مهم در متن "توانمندسازی" است. دسائی و تاکار مشارکت سیاسی زنان، حقوق قانونی و آموزش را به عنوان مکانیزم هایی برای توانمندی شان مورد بحث قرار داده اند (Desai & Thakkar, 2001). براساس تحلیل متعارف، مشارکت سیاسی زنان به معنای فعالیت های مرتبط با سیاست های انتخاباتی همچون رای گیری، کمپین سازی، حزب سازی و رقابت انتخاباتی می باشد. اما در یک تعریف گسترده تر، توانمندسازی سیاسی تمامی اقدامات داوطلبانه معطوف به تاثیر گذاری سیاست گذاری عمومی، مدیریت امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی

در تمامی سطوح حکومت را دربرمی‌گیرد (Nayak & Mahanta, 2009). قانونگذاری در ایران فضای سیاسی جدیدی ایجاد کرد که در آن صدای زنان می‌تواند شنیده شود. بویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق - که به نوعی نقطه عطفی در احیای زنان تلقی می‌شود - تلاش شده تا زنان از طریق آموزش، مطابق استانداردهای جهانی توانمند شوند. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نشان می‌دهد که سازمان‌های مختلف حکومتی در حال کار در حوزه‌هایی همچون قانون گذاری، تحقیق و وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان می‌باشند. سیاست‌های توانمندسازی در ایران نشان می‌دهد که حکومت خود را متعهد به بکارگیری زنان متخصص و آموزش دیده در پست‌های مدیریتی مختلف کرده است که نمونه‌های آن را می‌توان در حضور آنها در مجلس شورای اسلامی به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری دولتی مشاهده کرد. از رهگذر این بسترها و فضاهای جدید، امکانات دسترسی زنان به منابع قدرت بیشتر و آسان‌تر شد. از جمله این امکانات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: با ارتقای دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری به مرکز امور مشارکت زنان، ضمن حضور رئیس مرکز در جلسات هیئت دولت، مرکز در جریان تدوین برنامه سوم توسعه شرکت کرد و با ارائه نظریات خود، گام‌هایی برای رفع مسائل و مشکلات زنان در وجوه مختلف زندگی از طریق ارائه راهکارهای مقتضی برداشت. طی این فرایند ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه که به تصویب هیئت وزیران رسید، ضمن اختصاص بودجه به منظور سامان دهی نقش زنان در توسعه کشور و حل معضلات و بهبود زندگی آنها، مرکز امور مشارکت مسئول پیگیری و نظارت بر اجرای مفاد مندرج در ماده ۱۵۸ قانون برنامه توسعه شد. همچنین مرکز مذکور، در شوراهای بخشی و فرا بخشی، کمیته‌های تحت پوشش گروه کاری زنان و برنامه سوم توسعه که در آبان ماه ۱۳۷۷ تشکیل شده بود، شرکت داشت (آقارضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

در این دوره در جهت سیاست‌های تقویت ساختارها و ایجاد عرصه‌های جدید برای زنان و درج مسائل زنان در وزارتخانه‌ها، دفاتر امور زنان در تشکیلات دولتی و وزارتخانه‌ها ایجاد شد. از جمله این دفاتر می‌توان به ایجاد ۴۸ دفتر امور زنان در نهادهای دولتی در سال هفتاد و نه اشاره کرد که برخی از آنها عبارت بودند از:

- مشاور رئیس دفتر امور بانوان در وزارت دفاع.

- مشاور و مدیر کل و رئیس دفتر امور بانوان در وزارت کشور با ۲۷ پست سازمانی.

- مشاور فرماندهی کل و رئیس دفتر امور زنان در سپاه پاسداران.

-نماینده و رئیس دفتر امور بانوان وزارت پست و تلگراف و تلفن و ...
این دفاتر ۳۵٪ در سطح مشاور وزیر و سرپرست سازمان امور زنان، ۲۶،۶ درصد در سطح مدیر کلی، ۴۹ درصد دارای نماینده دستگاه در مرکز امور مشارکت و ۴۵ درصد با عناوین دیگر بودند(مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۲۶).

همچنین در سازمان‌ها و تشکیلات دولتی مربوط به زنان به منظور کارایی بهتر تحولاتی صورت گرفت. از جمله این تحولات؛ ایجاد شورای هماهنگی نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، انحلال کمیسیون‌های امور بانوان در استان‌ها و محول شدن وظایف کمیسیون‌های مزبور به کارگروه زنان و جوانان. سازمان‌های غیردولتی زنان با توجه به اهداف برنامه سوم توسعه، رشد کیفی و کمی یافتند به گونه ای که بین سالهای ۱۳۸۳-۱۳۷۶ تعداد سازمان‌های غیر دولتی زنان نرخ هفت برابری را نشان می‌دهد(مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۹۰).
در حقیقت می‌توان گفت اگرچه زنان به سطوح کلان مدیریت سیاسی دست نیافتند پس از مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات عمده تغییرات در سطح میانه مدیریت شکل گرفت. نکته مهم اینکه زنان مجلس ششم شورای اسلامی(مصادف با دولت اصلاحات) برخی فعالیت‌هایی را انجام دادند که منجر به ارتقای مشارکت شان شد.

-تشکیل فراکسیون زنان مجلس برای اولین بار؛

-عضویت یک زن در هیئت رئیسه مجلس؛

-ریاست یک زن بر کمیسیون زنان و جوانان؛

-شرکت یک زن در مذاکرات بین ایران و آژانس بین‌المللی اتمی؛

فعالیت زنان مجلس ششم به وضع ۱۶ مورد قانون که به طور عمده در حوزه حقوق زنان بود، انجامید. همچنین ۱۷ مورد طرح‌هایی که نهایی شد اما بسیاری به وضع قانون نینجامید(از جمله لایحه الحاق ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان). در سطح میانه مدیریت سیاسی موارد قابل ذکر از این قرار است:

انتخاب دو زن به معاونت و مشاورت رئیس جمهوری و ارتقای دفتر امور بانوان به مرکز امور مشارکت زنان که این موضوع منجر به افزایش قدرت مرکز در پیشبرد مسائل زنان شد. از جمله فعالیت‌های این مرکز، برنامه ریزی، ارائه راهکار، ارائه نظریات مشورتی، بررسی‌های کارشناسی و تبادل نظر در حوزه مسائل زنان با هیئت دولت و نمایندگان مجلس، شرکت در جریان تدوین برنامه سوم توسعه که منجر به ایجاد ماده قانون ۱۵۸ در برنامه شد که معطوف به مسائل زنان بود از جمله از مفاد این ماده قانونی می‌توان به این موارد اشاره

کرد: توانمندسازی سازمان‌های غیر دولتی زنان، زمینه سازی برای زنان نخبه به نظام برنامه ریزی کلان و... (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۶۷)

همچنین با اصلاح آئین نامه‌های شورای برنامه ریزی و توسعه استان‌ها در دولت خاتمی تعداد زنان حاضر در کارگروه‌های شورای برنامه ریزی و توسعه استان‌ها افزایش یافت (آقارضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۳).

۲-۳ توانمندسازی اقتصادی

توانمندسازی اقتصادی براین امر دلالت دارد که زنان قادرند به فعالیت‌های تولیدی دست بزنند که درجه ای از استقلال مالی دست پیدا کنند و بخشی از مسئولیت‌های خانواده را به دوش بکشند. براین اساس "اگرچه زنان فقیرترین بخش جامعه را تشکیل می‌دهند.... حذف تبعیض اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برعلیه آنها، پیش شرط از بین بردن فقر.... در بستر توسعه پایدار محسوب می‌شود United Nations Population Information (Network, 1994a). در بسیاری از جوامع زنان هرگز کاملاً متعلق به خود نیستند؛ آنها کمتر از یک درصد از دارایی جهان را در اختیار دارند درحالی‌که ۶۶ درصد نیروی کار جهانی را تشکیل می‌دهند و نیمی از غذای جهان را تولید می‌کنند (United Nations Development Programme, 2011)

در چنین شرایطی که زنان تسلطی بر درآمد خود ندارند غیرمحتمل است که بتوانند مراقبت‌های بهداشتی برای خود و فرزندان شان فراهم کنند. در مورد جمهوری اسلامی ایران آنچه روشن است جهت تسریع توانمندسازی اقتصادی زنان، حکومت طیف متعددی از قوانین را جهت برابری جنسیتی و حمایت از زندگی آنها، مراقبت‌های مالی در موارد طلاق، و نیز دستیابی زنان به فرصت‌های کاری تدارک دیده است (ماده ۱۱۰۷، ۱۳۰۷؛ ماده ۱۰۸۲ و ۱۳۰۷؛ ماده ۱۰۹۲، ۱۳۰۷؛ ماده ۷، ۱۹۹۸؛ ماده ۱۱۱۸، ۱۳۰۷؛ ماده ۱۱۰۶، ۱۳۰۷؛ ماده ۱۱۱۱، ۱۳۰۷). به محض اینکه ازدواج شکل بگیرد زن صاحب سهمی از ازدواج می‌شود (مهریه) و می‌تواند به هر شکلی آن را دریافت و مصرف کند (ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، ۱۳۰۷) و اگر شوهر همسر خود را قبل از رابطه زناشویی طلاق بدهد، زن می‌تواند نیمی از سهم ازدواج خود را دریافت کند (ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، ۱۳۰۷). اگرچه سهم ازدواج به واحد پول ملی (ریال) است هر زمان که زن آن را تقاضا کند می‌بایست بر مبنای تغییرات در شاخص قیمت سالانه (که توسط بانک مرکزی هر سال محاسبه می‌شود) بررسی و پرداخت شود. اگر شوهر از دادگاه تقاضای طلاق همسر خود را بکند، دادگاه مسئول تعیین نحوه

پرداخت مهریه به زن می‌باشد (ماده ۷، ۱۹۹۸). در یک ازدواج پایدار نیز، نفقه زن می‌بایست توسط شوهر پرداخت شود (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، ۱۳۰۷). نفقه پولی است که تمامی مخارج عادی و روزمره زن از جمله مسکن، پوشاک، غذا، وسایل خانه و ملزومات مناسب و متناسب با موقعیت اجتماعی او را پوشش می‌دهد و همچنین هزینه ای است که زن می‌تواند از طریق آن به استخدام خدمتکار پردازد (ماده ۱۱۰۷، ۱۳۰۷). علاوه بر این قوانین متعددی به منظور توانمندسازی اقتصادی زنان در چارچوب اجتماعی تدارک دیده شده است (ماده ۲، ۳، ۴ و ۹ سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱). به منظور مدیریت بهتر همه امور خانواده و تعهد کامل به مسئولیت هیا اجتماعی، همکاری تمامی اعضای خانواده اهمیت خاصی دارد. شرایط کار زنان در محیط کاری در جامعه نیز باید به گونه ای آماده شود که زمینه‌های روحی، روانی و حرفه ای کاملاً برآورده شود. بعلاوه باورها، شخصیت و احترام و البته سلامت روانی، جسمی و ذهنی او ب هیچ وجه نباید آسیب ببیند (ماده ۴، سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱). همچنین در شرایط برابر حقوق و مزایای زنان باید بصورت عادلانه محاسبه شود (ماده ۹، سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱). با در نظر گرفتن نقش محوری که جمهوری اسلامی ایران به ثبات خانواده می‌دهد شرایط درون خانه نیز به منظور آموزش و پرورش و ایفای نقش مادری در بررسی کار زنان ملاحظه شده است: مرخصی زایمان، کاهش ساعات کاری، مزایای بازنشستگی با کاهش دوره خدمت، امنیت شغلی و امنیت اجتماعی در طول دوره بیکاری، بیماری یا ناتوانی نیز مرتفع شده است (ماده ۱۰ سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱). (Janghorban et al, 2014: 228).

توانمندسازی جنسی و باروری

توانمندسازی زنان یک الزام اساسی برای سلامت باروری سالم محسوب می‌شود. مفهوم حقوق و سلامت باروری و جنسی اولین بار به عنوان یک حق بشری در کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. این تعریف از سلامت باروری همچنین سلامت جنسی را نیز تجسم بخشید (World Health Organization, 2004). مطابق دیدگاه‌های سازمان بهداشت جهانی، سلامت جنسی به عنوان "حالت فیزیکی، احساسی، ذهنی و رفاه

^۱ -Sexual and Reproductive Health and Rights

^۲ - International Conference on Population and Development

اجتماعی مرتبط با جنسیت "تعریف می‌شود؛ و صرفاً به معنای عدم وجود بیماری، اختلال یا رنجوری نیست. سلامت جنسی مستلزم یک رویکرد احترام آمیز و مثبت به جنسیت و روابط جنسیتی و همچنین امکانپذیری تجربیات جنسی سالم و خوشایند، نبود اجبار، تبعیض و خشونت است. برای دستیابی و حفظ سلامت جنسی، حقوق جنسی همه افراد می‌بایست مورد احترام، حمایت و تعهد شده باشد. از دید سازمان بهداشت جهانی حقوق جنسی حقوق انسانی است که در قوانین ملی، اسناد بین‌المللی و دیگر اسناد مورد توافق به رسمیت شناخته شده‌اند (Janghorban et al, 2014: 229).

در ایران، حقوق جنسی و باروری بخوبی فراهم شده و قوانین و مجازات‌ها نیز برای مجرمان به خوبی و روشنی تعریف شده‌اند. بطور مثال نقص‌های زیر می‌تواند باعث خاتمه ازدواج توسط زن باشد: ناتوانی جنسی مرد در طول یکسال از تقاضای زن از دادگاه؛ اختگی مرد (ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی ۱۳۰۷)، همچنین ضعف جنسی و جنون، پایه طلاق گرفتن زن از مرد می‌شود اگرچه این امر با توافق صورت می‌گیرد (ماده سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۰۷، ۱۱۲۵). اگر مرد پس از ازدواج به بیماری مقاربتی مبتلا شود زن می‌تواند رابطه جنسی با او را رد کند و این امر به نفقه او هم صدمه ای وارد نمی‌کند (ماده ۱۱۲۷ سیاست‌های اشتغال زنان در ج.ا. ایران، قانون حمایت از خانواده، ۱۳۹۲). بعلاوه مطابق قانون حمایت از خانواده در ایران هیچ مردی نمی‌تواند بدون اجازه همسر اول خود یا دادگاه ازدواج مجدد کند. دادگاه نیز تحت شرایط خاصی همچون بیماری لاعلاج یا جدی همسر اول این اجازه را صادر می‌کند (ماده ۱۶، قانون حمایت از خانواده، ۱۳۹۲).

جدا از قانون اساسی، قوانین متعددی وجود دارد که زنان را در مقابل خشونت محافظت می‌کند. قانون مدنی ایران و ترتیبات مرتبط در ماده ۱۰۴۱ تصریح می‌کند که ازدواج دختران بدون اجازه والدین ممنوع است. این امر بدین معنی است که اگر یک مرد با یک دختر قبل از سن بلوغ و در تضاد با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند به حبس تادیبی از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌شود و در مواردی که دختر زیر ۱۳ سال باشد این محکومیت ۲ تا ۳ سال خواهد بود. اگر این کنش جنسی باعث بیماری پایدار برای زن شود شوهر به زندان ۵ تا ۱۰ سال همراه با کار اجباری محکوم می‌شود (ماده ۳، قانون ازدواج، ۱۳۱۶). قانون مدنی ایران و مقررات مرتبط (حقوق و وظایف متقابل زوجین در قبال همدیگر)، در ماده ۱۱۱۵ اعلام می‌ارد که اگر زن در خانه مشترک احساس ترس فیزیکی، از دست دادن منابع مالی یا صدمه به حیثیت و پرستیژ کند می‌تواند خانه جداگانه ای انتخاب کند و در مواردی که این ترس

اثبات شود دادگاه به زن اجازه نمی‌دهد به خانه شوهر برگردد و در صورتی که همسر برای بازگرداندن زن اقدام کند از طرف دادگاه مجبور به پرداخت نفقه می‌شود (ماده ۱۱۱۵، ۱۳۰۷). زنان ایرانی تحت حمایت قانون مثله کردن زنان^۱ نیز قرار دارند. ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی اعلام می‌دارد که «هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد» (ماده ۴۷۹، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰).

همچنین قوانین متعددی در خصوص قاچاق زنان و دختران در ایران وجود دارد. قانون ضد قاچاق زنان در ماده ۲ تاکید می‌کند که قاچاق زنان حتی با رضایت فرد منجر به حبس از ۲ تا ۱۰ سال را در پی خواهد داشت. پرونوگرافی نیز در قانون جزای اسلامی غیرقانونی است. به این دلیلی قانون جدید جرایم کامپیوتری در پارلمان ایران در ۲۹ آبان ۱۳۸۷ تصویب و در هشتم تیرماه ۱۳۸۸ الزامی شد. مطابق این قانون، تولید، انتشار و توزیع هرگونه تصویر غیرواقعی، ضبط صدا یا نوشته‌ای که برهنگی کامل زن یا مرد، آلت تناسلی شان یا مشارکت آنها در عمل جنسی را نشان دهد جرم علیه عفت و اخلاق عمومی تلقی می‌شود (Janghorban et al, 2014: 230). افراد درگیر در این جرم می‌توانند به ۹۱ روز تا دو سال حبس و ۵ تا ۴۰ میلیون ریال محکوم شوند (ماده ۱۴، ۱۳۸۷).

یکی از مناقشه‌آمیزترین موضوعات در رابطه با زنان در حوزه حقوق باروری، سقط جنین است. از آنجا که در کشور ما انجام سقط جنین در زمره جرایم تلقی گردیده و قانونگذار در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی مفصلاً در اینخصوص صحبت کرده و دیه وارد بر جنین حتی قبل از دمیده شدن روح در آن را مشخص کرده، لذا فی نفسه انجام سقط در ایران بر خلاف شرع مقدس تلقی گردیده و غیرمجاز است (حسینی مقدم، ۱۳۹۱). لیکن مصلحتی بالاتر که همانا لزوم حفظ حیات مادر و همچنین عنایت به ارتقای سطح کیفی نسل بشر بود سبب گردید که برای نخستین بار سازمان پزشکی قانونی کشور در آذر سال ۱۳۸۲ با صدور بخشنامه‌ای انجام سقط درمانی را مجاز اعلام نماید. در بخشنامه فوق مقرر شده بود که: "در صورتیکه ادامه بارداری مادر به مرگ جنین یا مادر منجر شود، درخواست صدور مجوز سقط درمانی (تنها در ادارات کل پزشکی قانونی استانها) مورد پذیرش قرار می‌گیرد. البته در صورت دستور مقام قضایی یا درخواست زوجین یا معرفی نامه پزشک معالج قبل از ولوج روح (چهار ماهگی)". از اینرو قانونگذار ایران از میان چهار نظر پیرامون جواز یا حرمت

^۱ -Female Genital Mutilation (FGM),

سقط جنین، با در نظر گرفتن استفتای صورت گرفته از مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۶ که اجازه سقط جنین مبتلا به تالاسمی ماژور را قبل از ولوج روح صادر نمودند (قاعدی پاشا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۲)، تنها یک مورد را قانونی شناخته است: "جواز سقط قبل از ولوج روح با شرایط خاص و حرمت آن پس از ولوج روح به صورت مطلق."

علاوه بر این، مجلس ایران در سال ۲۰۰۳ آیین‌نامه اهدای جنین به زوجین نابارور را تصویب کرد. مطابق این قانون جدید اهدای جنین تحت شرایط خاصی اجازه داده می‌شود. این قانون کاملاً موثر بوده و باعث استحکام بسیاری از ازدواج‌ها در ایران شده است. نظام حقوقی ایران کاشت سلول‌های جنسی در رحم زن را به عنوان روشی برای اینکه زوج‌های نابارور «والدین بودن» را تجربه کنند پذیرفته است (Samavati Pirouz & Mehra, 2011).

نتیجه‌گیری

مفهوم توسعه پایدار یک مفهوم چند بعدی است که ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را در برمی‌گیرد. این مفهوم زمانی که با توانمندسازی زنان همراه می‌شود جنبه‌های فرهنگی، آموزشی، سیاسی و جنسی/باروری را نیز شامل می‌شود. به رغم موافقتنامه‌های متعدد بین المللی در خصوص حقوق زنان، این گروه هنوز بیشتر از مردان از فقر و بی سواد و همچنین دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، حقوق مالکیت، آموزش و شغل رنج می‌برند. آنها کمتر از مردان به لحاظ سیاسی فعالیت دارند و بیشتر از مردان قربانی خشونت داخلی می‌شوند. یک جنبه مهم ارتقای فرصت برابر میان زنان و مردان، توانمندسازی زنان است که برای توسعه پایدار و تحقق حقوق انسانی برای همه، مهم و حیاتی است. در جمهوری اسلامی ایران روند درگیرشدگی و مشارکت زنان در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نشان دهنده پروسه‌ای رو به پیشرفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه اولین ابتکار مهم در تواناسازی زنان بوده است که برسناسایی نیازهای ورزشی و آموزشی بر پایه اصول اسلامی و ارتقای نقش آنها در آینده توسعه کشور تاکید کرده است. ارتقای فرصت‌های شغلی، تسهیل دسترسی به امور حقوقی و قضایی و حمایت و تاسیس سازمان‌های غیردولتی زنان از دیگر اقدامات سازنده این برنامه بوده است. برنامه‌های دیگر توسعه، نیز بیش از پیش بر موقعیت و فرصت‌های زنان و ایجاد برابری (در کنار حقوق مصرح در قانون اساسی) تاکید کرده اند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف قانونی و عملی زمینه توانمندسازی زنان را فراهم کرده است.

منابع و مأخذ:

- Philippines. In: 12th National Convention on Statistics (NCS) EDSA Shangri-la Hotel, Mandaluyong City October 1e2, 2013.
- Bayeh, Endalcachew, The role of empowering women and achieving gender equality in the sustainable development of Ethiopia, Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences xxx (2016) 1-6.
- Carla Makhoul Obermeyer" Reproductive Choice in Islam: Gender and State in Iran and Tunisia" contract based on Iranian Acts Continuation. Journal of Family and Reproductive Health, 5(2), 41-51
- Desai, N., & Thakkar, U. (2001). Women in Indian Society. New Delhi: National Book Trust.
- Gallaway, J. H., & Bernasek, A. (2004). Literacy and women's empowerment in Indonesia: implications for policy. Journal of Economic Issues, 38(2), 519-525. <http://hdl.handle.net/10355/29697>
- Jaggar, Alison. M 1983. Feminist Politics and Human Nature. Sussex: Rowman and Allan Held.
- Malhotra, Anju, et al., 2009. Innovation for Women's Empowerment and Gender Equality. International Center for Research on Women (ICRW). North Washington, D.C.
- Mehran, Golnar, Gender and education in Iran, Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2003/4
- Nayak, P., & Mahanta, B. (2009). Women Empowerment in India. Munich Personal RePEc Archive, North Eastern Hill University: 33.
- Samavati Pirouz, A., & Mehra, N. (2011). Legal issues of a surrogacy <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000146809>
- Page, Nanette, Czuba, Cheryl E., 1999. Empowerment: what is it? J. Ext. 37 (5).
- Points from Civil Law and Related Regulations: 'Marriage Portion' Executive By- Law for the Act of Annexing One Note to the Article 1082 of the Civil Law Ratified by the Council of Ministers. Iran.
- Roksana Janghorban, Ali Taghipour, Robab Latifnejad Roudsari, Mahmoud
- آقارضا، نادیا، محسنی، علی، الهی منش، محمدحسن (۱۳۹۸)، « جایگاه جامعه مدنی و کنشگران غیر دولتی در سیاستگذاری عمومی ایران (مطالعه موردی دولت های هفتم و هشتم)»، **فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صفحه ۱۵۶-۱۳۹
- استیری، لیلا، تفضلی، حسین و علیرضا سلطانی (۱۳۹۸)، «جایگاه اشتغال زنان در سیاستهای کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره ۴۶، صفحه ۱۸۱-۱۵۹.
- پورگیو، فریده (۱۳۷۹)، «بررسی توانمندسازی زنان در ایران با تأکید بر رسانه ها و کتاب های درسی»، مرکز امور زنان ریاست جمهوری، اولین همایش توانمندسازی زنان.
- تاج الدین، محمدباقر، رحمتی والا، لیلا (۱۳۹۳)، «**رسانه ی ملی و توانمند سازی زنان سرپرست خانوار(مورد مطالعه : زنان سرپرست خانوار منطقه ی ۱۸ تهران)**»، مهارت های رابردی زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده)، سال هفدهم، شماره ۶۵، صفحه ۱۶۱-۱۱۹.
- قاندی پاشا، مسعود، بشردوست، نصر الله، قدوسی، آرش، صمدی راد، بهرام، نیکیان، یداله، روح پرور، ریحانه (۱۳۹۰)، «بررسی میزان آگاهی متخصصین زنان و زایمان و ماماها شهر یزد از قوانین و مقررات سقط درمانی (قانونی) و سقط جنایی (عمدی)»، **مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی)، صفحه ۱۴۷-۱۴۱**.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، **رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۲. لانگه، سارا (۱۳۷۶). **معیارهایی برای توانا سازی**. تهران: انتشارات روشنگران
- کتابی، محمود و بهجت یزدخواستی (۱۳۸۲)، «توانمند سازی زنان برای مشارکت در توسعه»، **پژوهش زنان**، دوره ۱، سال ۳، ش ۷. مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰)، «**مرکز امور مشارکت زنان در دولت هفتم**». تهران: برگ زیتون
- Ahmed, et al., 2001. Gender Issues, Population and Development in Ethiopia: Indepth Studies from the 1994 Population and Housing Census in Ethiopia, Italian Multi-bi Research Project ETH/92/P01. Central Statistical Authority (CSA) Addis Ababa, Ethiopia and Institute for Population Research eNational Research Council (Irp-Cnr), Roma, Italy.
- Alvarez, Lopez, Michelle, 2013. From unheard screams to powerful voices: a case study of Women's political empowerment in the

- روزنامه رسمی ۱۵۲۷۷-۱۳۷۶/۵/۲۲
-<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100524>
-۹۰ درصد معلمان دانش آموزان پسر، زن هستند،
۱۳۹۶/۳/۲۱
-<http://www.ensafnews.com/64401/90>-
-پیش از ۸۲ درصد زنان ایران باسواد هستند ۱۳۹۸/۹/۲۹
کد خبر: ۵۷۲۸۵
-حسینی مقدم، سید عسکری (۱۳۹۱)، مسئولیت کیفری سقط جنین.
<http://daturie.blogfa.com/post/12><https://www.isna.ir/news/fars->
- Abbasi "Women's Empowerment in Iran: A Review Based on the Related Legislations" Glob J Health Sci. 2014 Jul; 6(4): 226-235. Published online 2014 Apr 20. doi: 10.5539/gjhs.v6n4p226.
- Stevens, Candice, 2010. Are Women the Key to Sustainable Development? Sustainable Development Knowledge Partnership (SDKP), USA.
- United Nations Economic Commission for Africa (ECA), 2015. Africa Regional Report on the Sustainable Development Goals: Summary. United Nations Economic Commission for Africa, Addis Ababa
- United Nations Population Fund. (2011). Frequently Asked Questions about Gender: Promoting Gender Equality. Retrieved January 18, 2012, from http://www.unfpa.org/gender/resources_faq.htm
- United Nations Population Information Network. (1994a). Report of the International Conference on Population and Development, Programme of Action, Chapter 3. Retrieved March 22, 2012, from http://www.un.org/popin/icpd/conference/open_g/poa.html
- United Nations. (2000). United Nations Millennium Declaration. Retrieved February 6, 2012, from <http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.htm>
- Women, U.N., 2014. World Survey on the Role of Women in Development 2014: Gender Equality and Sustainable Development. United Nations, New York.
- World Commission on Environment and Development (WCED), 1987. Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future.

منابع اینترنتی

- سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۷۱،۵،۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100171>
-آیین نامه شورای فرهنگی و اجتماعی، نقل از شماره -